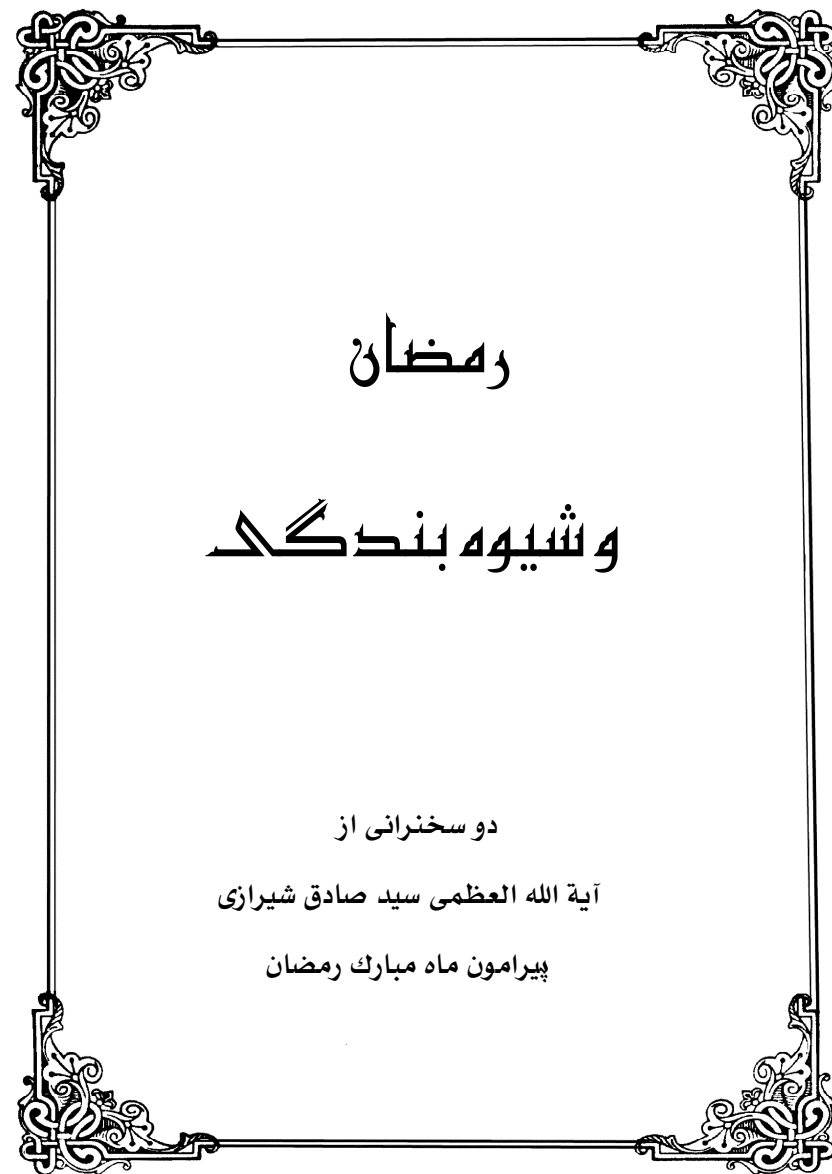


عز الدين محمد بن عبد الله



رمضان

وشیوه بندگی

دو سخنرانی از

آیه الله العظمی سید صادق شیرازی

پیرامون ماه مبارک رمضان

«رمضان و شیوه بندگی»

دو سخنرانی از آیه الله العظمی سید صادق شیرازی دام ظلّه

پیرامون ماه مبارک رمضان

به اهتمام / مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

هدیه جناب آقای حاج محمد علی فلاح کربلانی دامت تأییداته

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / شهریورماه ۱۳۸۴

شمارگان / ۵۰۰۰

چاپ / سپهر

ناشر / انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کدپستی / ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

صندوق پستی / ۱۴۸-۳۷۱۶۵

تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷

فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

مدیر فروش / ۰۹۱۲۱۵۳۹۳۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail: Selseleh_pub@Hotmail.com

ISBN: ۹۶۴-۸۷۸۸-۴۷-۲

شابک: ۹۶۴-۸۷۸۸-۱۳-۸

اخلاق نیکان ۲۷

درآمد	۲۹
مزد آن گرفت	۲۹
فرصت مانده	۳۱
پاداش الهی	۳۲
نشانه ایمان	۳۵
چرا بی توجهی؟	۳۷
زیرکی مؤمن	۳۸
داستانی پندآموز	۴۱
استغفار	۴۳
دو سفارش شده معصوم علیه السلام	۴۶
پاداش احسان به زن	۴۹
توجه به جوانان	۵۱
چگونه زیستن؟	۵۳
چکیده سخن	۵۵

فهرست

بایسته های ماه مبارک رمضان ۷

درآمد	۹
مراتب پاداش	۱۰
ضرورت عمل به قرآن	۱۲
برترین اعمال	۱۲
اطعام	۱۵
استغفار	۱۵
پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۶
حرمت حریم	۱۸
امر به معروف و نهی از منکر	۲۰
چگونگی امر به معروف و نهی از منکر	۲۳
دامنه تکلیف	۲۴

بایسته‌های

ماه

مبارك رمضان*

* این گفتار در جمع عده‌ای از دیدارکنندگان ایراد شده است.

۶۶۶۶ بار قرآن را ختم کرده باشد. در حقیقت این از اختصاصات ماه مبارك رمضان است و یازده ماه دیگر چنین امتیازی ندارند، لذا می‌توان گفت که قرآن و ماه مبارك رمضان ارتباطی گسترده و ناگسستنی دارند. از این مطلب می‌توان دریافت که احسان و نیکوکاری در ماه مبارك رمضان نیز پاداشی بسیار بیشتر دارند.

مراتب پاداش

مرحله دوم و مهم‌تر از آنچه گفته شد و ارزشمندتر از قرائت آیات قرآن، فهم و درک معانی قرآن کریم است و این‌که بدانیم قرآن چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟ وقتی انسان از راه مطالعه یا حضور در مجالس آموزش قرآن، معنی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را یاد بگیرد ثواب بالایی را به دست آورده است و البته این پاداش به پاس شناختی است که از بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به دست آورده، بداند الله کیست؟ رحمان و رحیم چیست؟ و تفاوت میان رحمان و رحیم کدام است؟ و این‌که چرا سوره‌های قرآن با بسم الله شروع می‌شوند؟ زمانی‌که انسان این مطالب نورانی را فراگرفت و به این مرحله از شناخت رسید، در واقع این مرحله از خواندن قرآن بالاتر و پرازش‌تر است، پس به جاست هر کس به فراخور دانش خود تفسیری تهیه کند و روزانه مقداری از آن را مطالعه کند تا افزون بر برخورداری از ثواب بسیار بالای آن، به تدریج با معانی شگفت و نورانی قرآن کریم آشنا شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین
و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین

درآمد

قرآن کریم، کتاب و اساسنامه زندگی فردی و اجتماعی همه مسلمانان در همه روزگاران است. اینک که در ماه مبارك رمضان قرار داریم سزاوار است هر چه بیشتر بر ارتباط خود با قرآن کریم افزوده، آن را استحکام و استواری بخشیم. نقطه شروع این ارتباط قرائت قرآن است که البته پاداش اخروی نیز دارد و روایات بسیاری در این باره آمده است، اما چشمگیرتر آن است که ثواب خواندن هر يك آیه در ماه مبارك رمضان با خواندن تمام قرآن در غیر این ماه برابری می‌کند.^(۱)

بر اساس این روایت اگر کسی در هر حالی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را زیر لب زمزمه کند، گویا قرآن را از آغاز تا پایان خوانده است و به دیگر معنا اگر انسان در ماه مبارك رمضان قرآن را ختم کند بر اساس این‌که قرآن ۶۶۶۶ آیه دارد، چنان است که در ماه‌های دیگر

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱.

کسی که در ماه مبارك رمضان با تأمل و تدبّر قرآن بخواند بی شک ثواب او بیشتر از کسی است که به همان اندازه، اما بدون تأمل قرآن بخواند، چه این که با در نظر گرفتن حال و هوای معنوی این ماه و این که «رمضان بهار قرآن است»^(۱) تأمل و تفکر در آیات قرآن به تمام معنا ارزشمند و کارآمد است.

مرحله سوم که والاتر و برتر از دو مرحله پیشین است آن که انسان به قرآن عمل کند، نهی قرآن را بشناسد و از آنها بپرهیزد، فرمان آن را به کار بندد و... وانگهی نباید غافل بود یکی از سؤال‌های مهمی که در عالم برزخ و شب اول قبر از ما می‌شود این است: «کتاب تو چیست؟». پرواضح است کسی می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که به کتاب خود، یعنی قرآن عمل کرده باشد. ای بسا کسی قرآن را حفظ کرده باشد، ولی در پاسخ این سؤال درمی‌ماند و نمی‌تواند چیزی بگوید، زیرا او فقط الفاظ قرآن را از بر کرده، هرگز به آموزه و مفاهیم آن عمل ننموده است. در مقابل، اگر در دنیا به معنای واقعی کلمه، به قرآن عمل کرده باشد در آن صورت خیلی سریع پاسخ خواهد داد:

قرآن کتاب من است.

ضرورت عمل به قرآن

هر چند قرآن کریم با هیچ چیزی قابل مقایسه و تشبیه نیست، اما بنا به ضرورت و به منظور نزدیک شدن به ذهن می‌توان آن را به نسخه پزشک تشبیه کرد. به عنوان مثال، فرد بیمار برای درمان نزد پزشک می‌رود و پزشک برای او نسخه‌ای می‌نویسد، آن گاه برای گرفتن دارو به داروخانه می‌رود. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا صرف خواندن و دانستن نسخه و پی بردن به خواص داروها برای خوب شدن کافی است؟ به یقین پاسخ این خواهد بود که اقدام‌های یادشده، مقدمه است و برای نیل به سلامتی باید به دستور پزشک عمل کرد و از مواردی که منع کرده، پرهیز نمود.

قرآن کریم نیز چنین است و باید به فرمان‌ها و بازداشتن‌های آن عمل کرده، تمام دستورات آن را در زندگی خود به کار گرفت تا به سعادت دو جهان دست یافت. بنابراین، قرآن پذیری و عمل به آن پس از خواندن و فهمیدن، قرار دارد و البته اهمیت عمل به قرآن بارها و بارها در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است.

برترین اعمال

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوّل هر ماه مبارك رمضان، خطبه‌ای می‌خواندند و در آن به برخی معارف و آموزه‌های دینی اشاره می‌کردند که در کتاب‌های حدیثی آمده است. یکی از این خطبه‌ها که امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۳۰: امام باقر علیه‌السلام فرمود: لكل شيء ربيع وربيع القرآن شهر رمضان؛ هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ماه رمضان است.

روایت نموده از بقیه معروفتر است. پس از فراغت رسول خدا ﷺ از همین خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول ﷺ پرسید:

یا رسول الله، ما أفضل الأعمال في هذا الشهر؟^(۱) ای رسول خدا، برترین اعمال در این ماه کدام است؟^(۲)

در سؤال امیرمؤمنان علیه السلام این معنا نهفته است که مهم‌ترین «تمام اعمال» در ماه مبارک رمضان که از نماز، روزه، قرائت قرآن، اطعام، ارشاد، صله رحم و اعمال دیگر بهتر و مفیدتر است و ثواب و ارزش آن از همه کارهای خیر بیشتر است چیست؟

راستی اگر امیرمؤمنان علیه السلام این سؤال را نمی‌کردند، از کجا می‌دانستیم بهترین عمل در این ماه چیست؟ در این جا توجه‌تان را به این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام جلب می‌کنم که فرمود:

ألا وإن لكل مأموم اماماً يقتدي به؛^(۳) بدانید هر مأمومی (پیروی) امامی (راهبری) دارد که بدو اقتدا می‌کند.

لذا باید تمام اقشار و من طلبه در کارها بدو اقتدا کنیم و آموزه‌های او

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۴، حدیث ۱۳۴۹۴.

۲. از نظر ادبی اگر صیغه جمع با الف و لام (ال) بیاید افاده عموم می‌کند. در این جا صیغه جمع اعمال با «ال» «اعمال» آمده است که عمومیت و گستردگی را می‌رساند و تمام اعمال را در نظر دارد.

۳. الصحيح من السیره، ج ۹، ص ۱۶۰.

را آویزه گوش قرار دهیم و به عنوان شیعه و دوستدار آن حضرت، همواره در پی تحقق بخشیدن به رهنمودهای حضرتش باشیم و در عین حالی که باید همیشه در پی شناخت اعمال خوب و کارهای پرپاداش و ثواب برآییم، باید به بهترین و پربهرترین آنها پای بند باشیم، بکوشیم خوب‌تر را از خوب بازشناسیم و همان را به کار بندیم، چه این که عقل نیز همین را می‌خواهد. به عنوان مثال اگر دو کسب‌کار وجود دارد و درآمد یکی از دیگری بیشتر است، یک کارمند یا کاسب خوب، پرسودتر و پردرآمدتر را انتخاب می‌کند و از پذیرش کاری که سودش کمتر است خودداری می‌کند و اگر خلاف این عمل کند، بی‌تردید فاقد قدرت و درک اقتصادی خوانده می‌شود. بندگان خدا نیز اگر تفاوت مراتب امور عبادی را نشناسند و بهتر را وانهاده، خوب را برگزینند، به یقین همین گونه‌اند.

دریغ و افسوس که در امور مادی و دنیوی معمولاً تشخیص درست داریم و کار پرسودتر را برمی‌گزینیم، ولی در امور معنوی و آخرتی گاه دقت نمی‌کنیم و از این مسأله غافل می‌شویم. به یقین همگی در پی کسب ثواب بیشتر هستیم و دوست داریم به مقام قرب الهی نزدیک‌تر شویم و خود را به اهل بیت علیهم السلام وابسته‌تر کنیم، ولی در تشخیص بهترین کارها و پسندیده‌ترین عمل و انتخاب آن، دقت نمی‌کنیم. چه خوب است انسان دلش را مالا مال از مهر اهل بیت علیهم السلام کند و در عین حال در پی انجام دادن بهترین و پربهرترین اعمال باشد.

اطعام

در جایی از این خطبه، حضرت رسول ﷺ فرموده‌اند:

من فَطَّرَ مِنْكُمْ صَائِماً مُؤْمِناً فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَتَقَ نَسَمَةً^(۱) هر يك از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطار دهد، ثواب آزاد کردن يك بنده خواهد داشت.

البته لازم نیست که این روزه دار حتماً فقیر باشد، بلکه مؤمنی از همسایگان و دوستان باشد کفایت می‌کند و البته اگر فقیری را اطعام کند بی‌تردید بهتر و خداپسندانه‌تر است.

استغفار

پیامبر خدا ﷺ تمام عمر خود را صرف ابلاغ و آموزش این تعالیم گذراند تا رسالت خود را که ارشاد جامعه و نجات بشر از بیراهه‌ها و تاریکی‌ها بود به انجام رساند. یکی از این آموزه‌ها استغفار و از جمله کارهایی است که در ماه مبارك رمضان به آن سفارش شده و یکی از نام‌های ماه رمضان شهرالاستغفار است.

رسول خدا ﷺ در خطبه‌شان فرمودند:

إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ^(۱) همگی

در گرو اعمال‌تان هستید، پس با استغفار، خویش را آزاد کنید.

به عنوان مثال، اگر منزل شخصی شما در رهن دیگری است، آیا می‌توانید خودتان در آن ساکن شوید؟ پاسخ منفی است، زیرا هر چند خانه یا ملك، مال شماست، ولی آن را به دیگری رهن داده‌اید. پس باید با پرداخت وجه رهن، منزل‌تان را آزاد کنید. به یاد داشته باشیم که فردای قیامت تمام اعضای ما اعم از چشم، گوش، قلب، روح، نفس، دست و پا به منظور حساب رسی مورد بازخواست قرار می‌گیرند، زیرا در گرو اعمالی هستند که از آنها سرزده است. بنا به فرموده رسول خدا ﷺ بهای آزاد شدن انسان از رهن اعمال، استغفار است. لذا باید بکوشیم با استغفار و پشیمانی از بدکاری‌های گذشته خویش، خود را از بند رهن و ارهانیم و دیگر بار دست به اعمال ناشایست نیالاییم.

پاسخ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)

پیش‌تر گفته شد که امیرمؤمنان علی‌السّلام از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: بهترین اعمال این ماه کدامند؟ در این جا به پاسخ رسول خدا ﷺ توجه کنیم. آن حضرت فرمود:

یا ابا الحسن! أفضل الأعمال في هذا الشهر الورع عن محارم الله؛^(۱) ای ابالحسن، بهترین کارهای این ماه پرهیز از کارهایی است که خدا حرام کرده است.

این پاسخ بدان معناست که ترك گناه از هر کاری حتی خواندن قرآن وفهم آن، صله رحم و افطاری دادن برتر است.

کلمه ورع از نظر لغوی به معنی احتیاط، پرهیز و بردباری است. به عنوان مثال، اگر کسی وارد جایی تاریک شود، بی حساب وبدون احتیاط حرکت نمی کند، بلکه با شنیدن کوچک ترین صدا دقت می کند تا با بروز هر خطری با آن مقابله کند و از خطر بگریزد. این حالت را ورع می گویند. در زبان روایات، ورع یعنی این که انسان هر جایی نرود، هر سخنی نگوید و نشنود، هر غذایی نخورد و با هر کسی دوست نشود.

توضیح بیشتر این تعبیر این است که اگر کسی کمی ناراحتی یا حساسیت چشمی پیدا کند به چشم پزشک مراجعه می کند و پزشک دارویی برای او تجویز می کند. در این هنگام دوستی از راه می رسد و می گوید: فلانی، مواظب باش و درباره این دارو تحقیق کن، مبادا برای چشم تو ضرر داشته باشد و پس از آن پشیمان شوی.

فرد با شنیدن این مطلب احتیاط کرده و دقت بیشتری به خرج می دهد که این احتیاط کردن و تأمل نمودن را ورع می گویند.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۶.

حرمت حریم

«محارم الله» که در این خطبه آمده به معنای حرام های خداست و با حرم، حرمت و احترام هم ریشه است. حرم حضرت معصومه علیها السلام یعنی جایی که به احترام حضرت معصومه علیها السلام محترم است. یا - مثلاً - مجلس محترم، شخص محترم و مکان محترم را به جهت بزرگی و جایگاه والای شان حرمت می گذارند. محارم الله نیز چیزهایی هستند که به احترام خدا انجام دادن آنها ممنوع است و در واقع احترام هر کس و چیزی احترام به خداست. اگر به عاشورا، معصومان، علما و متدینین احترام می گذاریم، از آن روست که حریم رقم خورده از سوی خدا را پاس داشته باشیم و در غیر این صورت مرتکب عمل حرام شده ایم. به عنوان مثال، آن جا که خدا از عملی بازداشته، در حقیقت، حریمی را مشخص فرموده که گذشتن از آن آلوده شدن به محارم الهی است و در نتیجه کیفر به همراه دارد. آن جا که حضرتش از نگاه حرام بازداشته است در واقع از محارم الهی است. لذا اگر کسی چشم به حرام بیالاید، حریم و حرمت الهی را نادیده گرفته است. چنین کسی - خدای ناکرده - اگر از کرده خود توبه نکند، در قیامت کیفری سخت دارد و آن این که - بنا به روایات صحیح - میل آتشین به چشمانش می کشند. ارتکاب دیگر محارم الهی نیز کیفرهای دیگری دارند. حال این پرسش در ذهن خطور می کند، آیا انسان خردمند حاضر است در عوض يك نگاه طولانی و سراسر لذت و جان افزا، خاشاکی را برای چند لحظه در چشم

خود تحمل کند؟ بی تردید پاسخ منفی است. بنابراین، عقل سلیم فرمان می‌دهد که باید احتیاط کرد و از حرمت شکنی پرهیز نمود و انسان برخورداری از عقل سلیم تسلیم فرمان عقل می‌باشد.

به دیگر سخن، احترام به هر محترمی احترام به خداست. زمانی که به عالم دینی احترام می‌گذاریم چون او بیش از دیگران به خدا احترام می‌گذارد، به انسان زاهد یا عابد احترام می‌گذاریم چون او بیش از ما به خدا احترام می‌گذارد، به امام جماعت، به گوینده مذهبی، به نویسنده توانایی که در عرصه دین قلم می‌زند احترام می‌گذاریم چون آنها بیش از ما به خدا احترام می‌گذارند، ما نیز با رعایت حریم حرمت آنان - که شکستن آنها مساوی است با ارتکاب محارم الهی - حرمت فرمان خدا را نگاه داشته ایم. وقتی مولای ما رسول خدا و خاتم رسولان ﷺ می‌فرمایند:

بهترین کار در ماه مبارک رمضان «ورع» و پرهیزورزی نسبت به «محارم الله» است،

بدین معناست که بازداشتن‌ها و فرمان‌های الهی را به گوش گیریم، آنچه را فرمان داده عمل کنیم و از آنچه بازداشته دوری گزینیم. به تعبیری دیگر اگر خدای بزرگ امری را واجب کرده باید آن را عملی کنیم و از آنچه حرام خوانده گریزان و رویگردان باشیم. این‌ها مطالبی هستند که در پاسخ پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام نهفته و مصادیق ورع‌اند که در ماه مبارک رمضان از هر کار دیگری برتر است.

امر به معروف و نهی از منکر

به عنوان نمونه امر به معروف و نهی از منکر از محارم الهی است. امر به معروف جنبه اثباتی و امری و بایندی دارد و نهی از منکر به عکس آن جنبه سلبی و بازدارندگی و نبایندی دارد. به معروف و خوبی و نیکی و ارزش‌های دینی امر کنیم، دعوت کنیم، فرا بخوانیم، هدایت کنیم و راهنمایی نماییم. از سوی دیگر از منکر - که ضد معروف است - و به کار بد و نادرست و ناهنجار دینی و ضد ارزش اطلاق می‌شود، باز داریم، نهی نماییم و هشدار دهیم.

بر اساس تعالیم اسلام و شرع مقدس اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر فراهم شود، نمی‌توانیم بگوییم: «به ما چه؟». تمام فقیهان شیعه بر این نکته اتفاق نظر دارند که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است. اگر «من فیہ الکفایة» (شایسته‌ای که این واجب را انجام دهد) نبود، بر ما واجب عینی می‌شود، ولی اگر کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند و در این کار توانا باشد وجود داشت، در آن صورت بر ما واجب نیست. به عبارت بهتر، این عمل واجب در هر صورت باید انجام شود. چنانچه دیگران در عین توانایی و درستی آن را انجام دادند از گردن ما ساقط است و اگر نبودند بر ما واجب و بایسته است و در نتیجه این‌که بی‌توجهی به دو وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، خود از محرمات الهی است.

باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر صرف گفتن

نیست، بلکه باید به گونه‌ای گفت که تأثیرگذار باشد. البته باید شرایط تحقق امر به معروف ونهی از منکر فراهم شود که: صبری، بیان زیبا، اخلاق نیکو و رفتار شایسته، شرط امر به معروف است و با چنین شرایطی می‌توان فرد بی‌نماز را با نماز آشتی داد، دروغگو را به راستگویی واداشت، غیبت کننده را از این عمل زشت بازداشت و...

نکته دیگری که گفتن آن ضروری است این است که این واجب را کسی می‌تواند انجام دهد که با کفایت و توانا باشد. چنانچه شخص با کفایتی امر به معروف ونهی از منکر کرد از گردن ما ساقط می‌شود، اما اگر شخصی از کفایت و توان و آگاهی و تأثیر لازم برخوردار نبود، همچنان مکلف به انجام این وظیفه هستم. فراموش نکنیم همه ما در این مورد مسئولیت داریم و باید توجه داشته باشیم، که هر گاه کسی از میان جمعی برخاسته، با داشتن شایستگی این کار، امر به معروف کند واز منکر بازدارد، تکلیف از دیگران ساقط است، اما اگر چنین نشد یا این‌که فرد ناتوان و ناکارآمدی به این وظیفه پرداخت، همچنان وظیفه دار هستیم و بدانیم که نادیده گرفتن این مسئولیت، فرجامی بد برای انسان رقم می‌زند. در روایت آمده است:

آن‌که گناه می‌کند با آن‌که می‌تواند نهی از منکر کند ولی به وظیفه خود عمل نمی‌کند در روز قیامت وجهنم با هم شریک هستند.

حال شایسته است در این ماه مبارک برای پرهیز از محارم الله کاری کنیم و به جوانان خود معارف دینی را بیاموزیم و راه حق را بنمایانیم.

بایدها ونبایدهای دینی را به آنان یاد دهیم که این يك واجب مسلم است ونباید غافل شویم که بزرگ‌ترها، از طریق مجالس دینی راه یافته‌اند و مسائل را می‌دانند، اما جوانان، کمتر از این مسائل آگاهند و اگر اصول دین، احکام دین و آداب دین‌شان را به درستی ندانند [و خدای ناکرده به دلیل همین نادانی به بیراهه روند] ما مسئولیم و آنچه معصومان علیهم‌السلام درباره وظیفه ما و کيفر بی‌توجهی به آن فرموده‌اند، در انتظار ماست. پس به منظور ادای وظیفه و پرهیز از محارم خدا، باید همت کرده، با جوانان و نوجوانان، خویشاوندان و بستگان و همسایگان که با معارف اهل بیت علیهم‌السلام و آموزه‌های دینی و محارم الهی آشنا نیستند، صحبت کنیم و آنان را از بدی و منکر دور کنیم و به سوی معروف و حقیقت هدایت نماییم. با این کار هم حریم محارم الله حفظ می‌شود هم در روز قیامت در شمار معصیت کاران قرار نخواهیم گرفت و نیز به واجب مسلم امر به معروف ونهی از منکر عمل کرده ایم. باز تذکر می‌دهم که خواندن قرآن در این ماه پسندیده است، به ویژه اگر با صدای خوش خوانده شود، اما مهم‌تر از خواندن قرآن و فهمیدن آن، عمل به آن است و این عمل ما (امر به معروف ونهی از منکر) عین عمل به قرآن است که می‌فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

چگونگی امر به معروف و نهی از منکر/ ۲۳

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^(۱)؛ باید از بین شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

چگونگی امر به معروف و نهی از منکر

همان طور که امر به معروف و نهی از منکر واجب شرعی و وظیفه همگان است، لحاظ داشتن شرایط آن نیز لازم است تا این مسئولیت به سلامت به سر منزل مقصود برسد. پرواضح است که بدون رعایت شرایط مخاطبان و مکان، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها کارآمد نخواهد بود که تأثیر منفی دارد؛ چیزی که حتی از نظر معصومان علیهم السلام پنهان نمانده است. بسیار نقل کرده‌اند و شنیده‌ایم که:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام در خردسالی، مرد کهن سالی را دیدند که مشغول وضو ساختن، اما به صورت نادرست بود. آن دو بزرگوار نزد پیرمرد رفته، به او فرمودند: ما وضو می‌سازیم و تو داوری کن که وضوی کدام یک صحیح است، آن گاه هر دو وضو گرفتند. آن پیرمرد به آنان گفت: فدای تان گردم، وضوی هر دوی شما صحیح و وضوی من نادرست است.^(۲)

۲۴/ رمضان و شیوه بندگی

ما نیز به عنوان پیروان امامان معصوم علیهم السلام باید شیوه امر به معروف و نهی از منکر را از آن بزرگواران بیاموزیم و در برخورد با افراد به کار بندیم که در غیر این صورت کار و تلاش مان، بیشتر به مشت بر سندان کوفتن شبیه خواهد بود.

دامنه تکلیف

وظیفه ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر محدود به طبقه خاصی نیست، هر چند مسئولیت برخی سنگین است، اما زن و مرد و پیر و جوان به یک اندازه مسئول هستند و هر دسته و طبقه به فراخور دانسته‌های خود می‌توانند تأثیر چشمگیری در این راه داشته باشند. بانوان آشنا به احکام، موظفند همگنان خود را که با مسائل، احکام، آداب، اخلاق اسلامی و وظایف اجتماعی آشنایی ندارند، آموزش دهند. مردان نیز همین مسئولیت را دارند. از آن جا که جوانان تأثیرگذارتر و تأثیرپذیرنده به جاست که آشنایان به مسائل اسلامی، دوستان و نزدیکان جوان خود را که با این مقوله فاصله دارند، با مفاهیم و الای اسلامی آشنا کرده، با محبت و صمیمیت، از دوستان خود بخواهند تا در مجالس دینی شرکت کنند، زیرا در همین مجالس، مبانی اسلام با روح جوانان درآمیخته، آنان شیفته اسلام و مفاهیم و الای آن خواهند شد.

جا دارد پرسیده شود: چرا می‌خواهید تنها شما به بهشت بروید؟ حقیقتاً چرا؟ بکوشیم سخاوتمندانه، دانسته‌های رهایی بخش خود را به دیگران بدهیم تا آنان را نیز در شمار بهشتیان درآوریم، چه این اگر

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

کوتاهی کنیم افزون بر ستمی که بر آنان روا داشته ایم، خود نیز گرفتار خشم خدا شده، طعمه آتش دوزخ خواهیم شد، هر چند بندگی خدا کرده باشیم. همان طور که پیش از این گفته شد، امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و با فراهم شدن شرایط، بر همگان واجب است. خوب است در این امر کوشا باشیم و افراد را به مجالس و محافل قرآنی، دینی و حسینی جذب کنیم و مبادا از این که يك بار یا دو بار پاسخ منفی شنیدیم، میدان را ترك کنیم! که امام باقر علیه السلام فرموده است:

الجنة محفوفة بالكاره؛^(۱) راه رسیدن به بهشت سراسر ناهمواری است.

به خاطر بسپاریم که در قیامت از ما خواهند پرسید: «چرا او (گمراه نادان) را هدایت نکردی؟». پس برای آن روزمان بیندیشیم و پاسخی خداپسند بیابیم.

وجود جلسات قرآنی و دینی و مجالس و عظم و ارشاد، شکرانه دارد و باید به پاس این نعمت خدای را شکر گفت، اما نیاز جامعه بیش از این مقدار را می‌طلبد. سعی کنیم این گونه مجالس را با رونق بیشتری برگزار و همگان را به شرکت در آن تشویق کنیم و مطالب منطبق با واقعیت در آن بیان و سیره معصومان علیهم السلام نقل شود باشد تا:

کسی که هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد، و کسی که زنده

شود با دلیلی واضح زنده بماند.^(۱)

امیدوارم به برکت اهل بیت علیهم السلام همگی مان به آموزه الورع عن محارم الله پای بند باشیم و خدای سبحان ما را در امر هدایت گری و ارشاد دیگران موفق بدارد، ان شاء الله.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۹، باب صبر.

۱. انفال (۸)، آیه ۴۲.

اخلاق

نیکان*

* این گفتار در ۲۷ رمضان ۱۴۲۳ ق. ایراد شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

درآمد

روزهای آخر ماه مبارك را سپری می‌کنیم که قرآن مجید، پیامبر اسلام، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا وائمه معصومین علیهم‌السلام آن را با اوصاف بلندی، چون: ماه رحمت، ماه مغفرت، ماه کرامت و ماه ضیافت خدا توصیف کرده‌اند؛ ماه مبارك رمضان. این ماه عظیم، بهار رحمت، برکت، آمرزش و احسان الهی است که از طرف خداوند - تبارک و تعالی - برای همگان ارزانی می‌شود، چه بهتر که از چنین خوان گسترده‌ای همگان بهره‌ی وافیه بگیریم.

مزه آن گرفت...

برای دستیابی به عنایات و کرامت‌های الهی ویژه این ماه، باید به شایستگی‌های خود توجه کنیم و این که در برخورداری از این نعمت‌ها چه اندازه توانمندیم، چه این که نیمی از موفقیت به دست خودمان است. قرآن کریم در این باره به صراحت می‌فرماید:

۳۰/رمضان و شیوه بندگی

(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)^(۱) و این که برای انسان جز حاصل

تلاش او نیست.

عنایت به کلمه «سعی» در آیه فوق، این حقیقت را آشکار می‌کند که انسان در هر موقعیتی قابلیت دارد تا از فضل، کرم، رحمت و مغفرت الهی برخوردار شود، به این شرط که به همان نسبت، قابلیت خود را به فعلیت برساند. شاید به ذهن خطور کند که قابلیت کسب فیض الهی در افراد متفاوت است، اما چنین نیست البته در باب رزق، خدای منان بنا به حکمت خود میان بندگان تفاوت قائل شده و خود در این باره فرموده است:

(وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ...)^(۲) و خدا بعضی از

شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است.

و این موضوع با مسأله بهره‌گیری از خوان فیض الهی و رحمت بی‌کرانش متفاوت است و زمینه نیل به کمال انسانی به يك اندازه و برای تمام انسان‌ها فراهم است.

به عنوان مثال جناب ابوذر رضی‌الله عنه (رحمه الله) نیز مانند بسیاری دیگر در شمار اصحاب پیامبر صلی‌الله علیه و آله بود. تمام آنچه را که پیامبر صلی‌الله علیه و آله بیان می‌کردند، همگان گوش فرا می‌دادند و ابوذر نیز می‌شنید، اما چیزی که ابوذر [وامثال او] را از میان دیگر صحابه متمایز کرد و او را به چنان مقامی رساند، این بود که او نه تنها با گوش سر، که با گوش جان نیز سخنان پندآموز پیامبر صلی‌الله علیه و آله را می‌شنید

۱. نجم (۵۳)، آیه ۳۹.

۲. نحل (۱۶)، آیه ۷۱.

فرصت مانده ۳۱

وبه کار می‌بست. در واقع ابوذر در این راه بسیار کوشید تا قابلیت حق‌پذیری و پندشنوی خود را به فعلیت برساند. از همین رو باید سختی زحمت را بر خویش هموار کرد تا بتوان دانسته‌ها را به فعلیت رساند.

توجه داشته باشیم که تهیه خانه‌ای دو سه اتاقه با زحمت و رنج فرساینده همراه است و بدون تلاش و زحمت، چنین کاشانه‌ای میسر نمی‌شود. همچنین نباید بدون رنج و زحمت و گذشتن از تمایلات و خواسته‌های نفسانی، امید دستیابی به بهشت جاودان و همسایگی پیامبران و معصومان علیهم‌السلام و نیکان را داشت.

فرصت مانده

اگر انسان از روزهای اول ماه مبارک رمضان استفاده نکرده، نباید ناامید شود بلکه از روزهای باقی مانده استفاده کرده، چرا که امکان بهره‌مندی از رحمت این ماه مبارک فراهم می‌باشد و تمام شنیده‌های آموزنده و آموزه‌های اسلامی برای انسان‌های بیدار دل و روشن ضمیر اتمام حجت است. حال اگر کسی این آموزه‌ها را به کار گیرد، چه سعادت‌مند انسانی است، چراکه بر اساس حجت و دلیل، حیات معنوی یافته است و اگر - خدای ناکرده - در وادی تباهی گرفتار شد، در واقع به اختیار خود و علی‌رغم اتمام حجت، خویشتن را به هلاکت انداخته است.

خدای متعال در این باره می‌فرماید:

۳۲/رمضان و شیوه بندگی

(...لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتَةٍ...)^(۱) تا

این‌که هلاک شود آن‌که هلاک شد از روی دلیلی روشن، و زنده شود آن‌که زنده شد از روی دلیلی روشن.

برای این جهت دعا‌های وداع ماه مبارک رمضان از وسایل ممتازی است که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است و در کتاب‌های دعا، از جمله در کتاب الدعاء والزيارة^(۲) آمده است. نگاهی از سر تأمل در این دعاها و توجه به نیایش‌ها و خواسته‌های معصومان از خداوند به هنگام وداع این ماه، ما را در به فعلیت درآوردن توان بهره گرفتن از کرامات این ماه یاری خواهد کرد. مسلماً بسیاری از کسانی که از این نعمت‌ها محرومند، چراکه چنین آموزه‌ها و آموزگارانی ندارند، پس سعی کنیم از روزها و شب‌های این ماه استفاده‌ای در خور و شایسته کنیم، زیرا این فضایل و برکات از اختصاصات ماه مبارک رمضان است و با سرآمدن این ماه، خوان برکت و بالندگی آن نیز برچیده خواهد شد. البته شب و روز عید فطر نیز برکات و آثار ویژه‌ای دارد که با سرآمدن روز عید، برکات این روز نیز به سر خواهند آمد.

پادشاه الهی

خدای منان فرموده است:

۱. انفال (۸)، آیه ۴۲.

۲. اثر مرجع راحل آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی (قدس سره).

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ)^(۱)؛ هر کس هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.

در آیه دیگر با تصریح به این که خدای متعال هیچ چیزی را فراموش نخواهد کرد آمده است:

(...أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ...)^(۲) برشمرد خدا [کارهای‌شان را] و آنها آن را فراموش کردند.

خوب است در آیه، بیشتر دقت و تأمل کنیم که: «مثقال ذره» چه معنایی دارد؟ بی تردید تمام خدماتی که افراد، در مجالس انجام می‌دهند - خواه کوچک و خواه بزرگ - در پیشگاه الهی محفوظ است و بر اساس آن، به صاحبان اعمال نیک پاداش داده می‌شود و در این امر، خادم همیشگی مجلس بودن شرط نیست. به دیگر بیان، اگر فردی حتی خاشاک کوچکی از مجلس زدوده یا استکانی را از زمین برداشته، در سینی خادم مجلس گذارده باشد به همان نسبت از پاداش الهی بهره مند خواهد شد. این مقدار از عمل، مثقال ذره نیست که بیشتر از آن است. وانگهی هر يك از شما یا هر کس که خدمتی یا عمل خیری انجام داده، اما آن را از یاد برده باشد، به یقین خدای منان آن را بر شمرده و ثبت می‌نماید، چه این که حضرتش فرموده است: «أَحْصَاهُ اللَّهُ...».

۱. زلزله (۹۹)، آیه ۷.

۲. مجادله (۵۸)، آیه ۶.

بنابراین باید از فرصت‌ها، برای نیل به والایی‌ها و اندوختن حسنات بهره گرفته، در حد توان خود بکوشیم و بدانیم که بهره گرفتن از آموزه‌های معصومان در قالب نیایش‌های تودیع ماه مبارک رمضان از مطالب مهم در این ماه است تا از این طریق بتوانیم با وظایف خویش آشنا شده، بیشترین استفاده را از برکات این ماه مبارک ببریم. البته برخورداری بیشتر از برکات در گرو به فعلیت در آوردن دریافته‌هاست. البته این امر تا اندازه‌ای مشکل است، اما با آسان گرفتن آن، خداوند نیز آن را تسهیل خواهد نمود. افراد موفق در این زمینه، مسأله را آسان گرفتند و خدا نیز پیمودن راه را برای آنان آسان نمود. ما نیز اگر در این راه کمی تحمل داشته باشیم و خستگی را بر خود هموار کنیم، به یقین خدای منان راه را برای ما آسان و هموار خواهد کرد، چه این که حضرتش خدایی است مهربان و خود در این باره فرموده است:

(إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...)^(۱)؛ مگر کسانی که پروردگار تو، به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است.

در جایی دیگر فرموده است:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)^(۲)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا پرستند.

خدای منان، انسان را به پرستش خودش فرمان داد تا بر او ترحم کند و در

۱. هود (۱۱)، آیه ۱۱۹.

۲. ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

حقیقت علت غائی خلقت، این بوده تا خدا بر ما ترحم نماید و خود می‌فرماید: (وَلَدَّ لَكَ خَلْقَهُمْ...)؛ و برای همین آنان را آفریده است.

بنابراین سزاوار است در این باب سعی کنیم و توانایی خویش را در کسب رحمت و فیض خداوندی به فعلیت درآوریم و شایستگی‌های خویش را برای برخورداری از این برکات و عنایات الهی به ظهور رسانیم.

نشانه ایمان

کوشش انسان برای به فعلیت درآوردن دریافت‌های خود از مواهب الهی، دلیل ایمان و باورمندی اوست. در همین معنا روایات متعددی وجود دارد که بنا به منطوق آنها، در صورتی ایمان انسان کمال می‌یابد که از اوصافی برخوردار باشد و در غیر این صورت، به نسبت ویژگی‌های نداشتنه، ایمان او ضعیف و ناقص است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ: ...نَفْسُهُ مَنَّةٌ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مَنَّةٌ فِي رَاحَةٍ...^(۱) مؤمن باید از هشت خصلت برخوردار باشد: ...خویشتن را در سختی نگاه می‌دارد، ولی مردم از وجودش در آسایش‌اند.

مسلم این‌که اگر آن سان که در روایت فوق آمده است، نباشیم، ایمان‌مان ناقص است و آن گونه که باید، در کسب رحمت و فضل خدا موفق نبوده ایم. انسان به دلیل نابرخورداری از صفات مؤمنان، با ستم به دیگران و اعمالی

دیگر، مرتکب حرام هم می‌شود و هیچ عذر و بهانه‌ای هم نخواهد داشت.

در صورتی که در راه کسب ویژگی‌های مؤمنان نکوشیم و خویش را بدان صفات زینت ندهیم بی‌تردید، همیشه در معرض خطر گرفتار شدن به ستمگری و تعدی نسبت به دیگران قرار خواهیم داشت، زیرا انسان، خصلتی اجتماعی داشته و همه روزه صدها بار با افراد خانواده، بستگان و دیگر افراد جامعه برخورد دارد. فراتر از این اگر فردی رئیس کارخانه، شرکت، اداره و جز آن باشد به طبیعت حال با افراد بیشتری برخورد خواهد داشت. چنین فردی در مقام سرپرست خانواده، رئیس شرکت و... اگر به عدالت و انصاف با زیردستان و عائله خود رفتار کند، از عهده امتحان الهی - که در قالب مقام و قدرت بدو عرضه شده - به نیکی برآمده و سعادتمند شده است، زیرا به خوبی توانسته صفات مؤمن بودن را در خود تحقق بخشد. در مقابل اگر - خدای ناکرده - نسبت به زیردستان ستم روا دارد، فرجامی بد برای خویش رقم زده است.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

مَنْ وَلِيَ رِقَابَ عَشْرَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَعْدِلْ فِيهِمْ حَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبِدَاهَ مَغْلُولَتَانِ إِلَى عُنُقِهِ، فَلَا يَفْكَهُمَا إِلَّا أَعْدَلُهُ فِي الدُّنْيَا؛^(۱) کسی که [به هر دلیل، خواه به جهت توان مالی یا موقعیت اجتماعی یا امری دیگر] بر ده نفر از مسلمانان حکومت کند، اما با آنان به داد رفتار نکند، چنین فردی در روز قیامت در حالی که دستانش بر گردنش بسته

۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۶۶، حدیث ۶۰.

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۷.

چرا بی توجهی؟ ۳۷/

شده است و جز دادگری اش در دنیا، چیزی او را نخواهد کرد.

البته حبسی که برای چنین فردی در نظر گرفته می شود، توأم با شکنجه نبوده، صرفاً به منظور ایجاد محدودیت برای اوست.

چنین بیاناتی از يك عالم معمولی یا مصلح اجتماعی با اندوخته ناقص علمی نیامده، بلکه آموزه و سخن پاکان و معصومانی است که جز بر اساس حق چیزی نگفته، آخرت را آن سان که هست توصیف می کردند.

چرا بی توجهی؟

با تمام این هشدارها و بشارت هایی که برای ستمکاری و عدالتورزی رسیده، همواره کسانی هستند که به دلیل داشتن مال و مقام و منصب بی توجه به این مسائل و بدون در نظر داشتن قیامت و حسابرسی سخت و دقیق آن روز، به تعدی و ظلم می پردازند. کسانی نیز هستند که قدرت ندارند، اما با داشتن روح سلطه جویی، بر ضعیفان زبردست خود ستم روا می دارند. انسان به چه چیزی دل خوش دارد که در کار خود تجدید نظر یا تأمل نمی کند؟ تشخیص عدالت از بی عدالتی و بی انصافی چندان دشوار نیست و هر کس کمی تأمل کند می تواند انصاف و بی انصافی را از یکدیگر تمیز دهد و به دلیل همین توان در شناخت خوبی و بدی است که انسان پاداش گرفته یا کیفر خواهد دید.

بی تردید اگر از هر دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) پرسیده شود: آیا دوست داری به امام حسین (علیه السلام) یا دیگر معصومان برسی؟ پاسخ او مثبت خواهد بود و هر کس که با خویشاوندان و آشنایان عزیزترین افراد زندگی می کند، نهایتاً مشتاق رسیدن به حضور حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است، اما یکی از شرایط چنین دیداری این

۳۸/رمضان و شیوه بندگی

است که «خویشتن از خویش در خستگی باشد و مردم از وجودش در آسایش».

در روایتی آمده است:

چون در آخرالزمان کسی پاك و وارسته از دنیا برود ملائکه شگفت زده می شوند که او چگونه توانسته است در پیچ و خم های چنین دنیایی ایمان خود را به سلامت بیرون ببرد.

درست است که سالم از دنیا رفتن همیشه سخت بوده و امروزه هم سخت است، اما اگر انسان بخواهد، چنین امری شدنی است و خدای منان نیز یاری اش کرده، او را در ادامه دادن راه، کمک خواهد کرد. جان کلام این که اگر انسان خواهان وجوبی چیزی باشد بدان دست خواهد یافت، چه این که «خواستن توانستن است».

زیرکی مؤمن

روایات معصومین (علیهم السلام) از زیرکی مؤمن مکرر یاد کرده است، از جمله، سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرموده اند:

المؤمن کبیر فطن؛^(۱) مؤمن، زیرک و دانا و با احتیاط است.

حقیقت این است که تمام اوصاف انسان ها، تبلور دارد و مؤمن کامل نیز از این قاعده مستثنا نیست و لذا باید زیرکی و دانایی خود را که از اوصاف برجسته اوست به ظهور برساند. یکی از این موارد مطلبی است که در روایتی

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۳۰۷، حدیث ۴۰.

از امام صادق علیه السلام آمده و آن این که مؤمن باید خویشتن را در سختی نگاه دارد تا مردم از گزند او در امان باشند. مثلاً انسان با افرادی با فرهنگ و سلیقه‌های گوناگون سر و کار دارد. حال امر دایر بین این است که خود را در فشار قرار دهد یا اطرافیان خود را. به یقین باید سختی را برای خود بخواهد و اگر کسی بگوید: آیا همیشه باید بر خود سخت بگیرم؟ پاسخ «آری» است، زیرا در این صورت است که نهاده‌های ایمان در انسان تبلور می‌یابد. ما به عنوان مسلمان و امت پیامبر ﷺ و پیرو خاندان رسالت باید از آن بزرگان الگو بگیریم و این سخن الهی را سرلوحه کار خود قرار دهیم که می‌فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...)^(۱) قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی
نیکوست، برای آن کس که امید دارد به خدا و روز دیگر.

در این آیه شریفه از سوی خدای منان مورد خطاب قرار گرفته‌ایم که اگر به رحمت خدا و آخرت امید بسته‌ایم باید در تمام کارها، به ویژه در پرهیز از آزار مردم و تحمل ناهمواری‌هایی که از سوی مردم به ما می‌رسد، حضرت رسول اکرم ﷺ را الگوی خویش قرار دهیم.

کسی که راه پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ را می‌پیماید، بارزترین مصداق زرنگی و خردمندی است، زیرا درمی‌یابد به چه وسیله و از چه راهی به تجارتي سودمند که خیر دنیا و سعادت آخرت در آن است دست یابد.

آن گاه است که به پیروی از پیشوایان بزرگ اسلام و به فرموده امام صادق علیه السلام: «نفسه منه في تعب والناس منه في راحة؛ خود از دست خود، در زحمت و سختی است و مردم از او در آسایش‌اند».

کلمه «ناس» در روایت شامل همگان مانند: زن و فرزند، خویشاوندان، مردم کوچ و بازار، ارباب رجوع و غیره می‌شود. در روایت کلمه «ناس» آمده و نه «مؤمنون» و از این استفاده می‌شود که شرط کمال ایمان این است که حتی غیرمسلمانان از جمله: مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان از گزند انسان مؤمن در امان باشند. البته بعضی امور ممکن است از نظر انسان طبیعی باشد، اما همین موارد موجب آزدگی اطرافیان می‌شوند و این برخلاف شرطی است که در روایت آمده است. به عنوان مثال انسان خوراکی را می‌پسندد که خانواده و اطرافیان او آن را نمی‌پسندند. در این صورت، انسان مؤمن بر خود سخت گرفته، بر خلاف میل و سلیقه خود - و البته در موارد حلال نه حرام - با تمایل آنان همراه شده، آنچه که آنان دوست دارند و می‌خورند همان را میل می‌کند. در این باره امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که فرمودند:

المؤمن يأكل بشهوة أهله والمنافق يأكل أهله بشهوة؛^(۱) مؤمن به میل و اشتها (سلیقه)ی خانواده‌اش می‌خورد و منافق، خانواده‌اش به میل او غذا می‌خورند.

برای کمال یافتگی در ایمان باید تا این اندازه خواسته مشروران را

لحاظ داشت و به منظور رعایت حال آنان تن به سختی و ناملایمات داد. در باب شراکت و موارد مشابه آن نیز انسان مؤمن اسیر تمایلات خویش نشده و هرگز به ظلم به دیگران تن نمی‌دهد و اگر با يك مسیحی، یهودی یا پیرو دیگر ادیان در کسب‌کار شریک باشد، هرگز او را نمی‌فریبد، زیرا ایمان مهار بازدارنده انسان از تباهی و نامردمی است. چنین انسانی به گواهی روایات، زیرک، خردمند و بااحتیاط است، زیرا نعمت‌های جاودانه آخرت را با کالاهای فناپذیر دنیا تعویض نمی‌کند.

داستانی پندآموز

در تاریخ و آثار اخلاقی ماجراهای فراوانی نقل شده که تماماً عبرت آموز و هشدار دهنده است، از جمله آمده است: «دو برادر بودند، یکی عائله مند و دیگری مجرد. آن دو زمینی کشاورزی داشتند و در کاشت و برداشت شریک بودند. زمان درو فرا رسید و محصول را برداشتند و هر یک سهم خود را جدا کرد. نیمه شبی برادر مجرد از خواب برخاست و با خود اندیشید که برادر من عیالوار است و هزینه زندگی‌اش سنگین، اما من چندان خرجی ندارم. آن گاه بدون این که برادرش را از قصد خود آگاه کند مقداری از سهم خود به سهم برادرش افزود. همان شب برادر بزرگ‌تر از خواب برخاسته، همانند برادرش در اندیشه شد که بار خود را بسته است، اما برادرش در ابتدای راه است و لذا باید به او کمک کند. با این انگیزه به سراغ محصول خود رفت و مقداری از آن را برداشت و به خرمن برادر افزود.

در این صورت می‌بایست تفاوتی در حجم و وزن محصول آنها به وجود

نمی‌آمد، زیرا همان مقدار که از خرمن خود کم کرده بود به آنان اضافه شده بود، اما شگفت انگیز این که هر دو چون محصول خود را بررسی کردند سهم خود را بیش از آن چیزی یافتند که بود. آن دو به وظیفه اخلاقی خود عمل کرده بودند، اما خدای متعال از نیت آنان آگاه بوده و بنا به وعده تغییرناپذیر (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ)^(۱) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید» هر دو را در این جهان پاداش داد و در آخرت نیز از رحمت الهی برخوردار خواهند شد. البته پاداش اعمال در دنیا گاهی با تأخیر همراه است تا تفاوت میان کسی که برای خدای کار می‌کند و کسی که برای پاداش کار می‌کند معلوم شود، چرا که در صورت تأخیر در پاداش، آن که برای خدا کار می‌کند و اطمینان ندارد که خدمتش در دنیا جبران خواهد شد، با این حال برای خدمت به دیگران بی‌دریغ از آبروی خود و غیر آن هزینه می‌کند معلوم می‌شود.

مرحوم اخوی - اعلی الله درجاته - در تفسیر^(۲) آیه ذکر شده آورده‌اند:

انسانی که به دیگران خدمت کند، افزون بر مقامات و پاداش‌های اخروی در این دنیا نیز پاداش خواهد گرفت.

اگر انسان خود را در زحمت بدارد و ناملایمات روزگار و بدرفتاری مردم را بر خود هموار کند، اما مردم و اطرافیان را از آزار خویش ایمن سازد، همانی خواهد بود که معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند و به گواهی آنان مؤمن خواهد بود.

۱. زلزله (۹۹)، آیه ۷.

۲. تقریب القرآن إلى الأذهان در سی جلد و به صورت مزجی فراهم آمده است.

استغفار

از دیگر امور مربوط به ماه مبارك رمضان استغفار است، چراکه در دعای وداع این ماه چندین بار استغفار به صورت‌های: «استغفر الله ربی وأتوب إلیه»، «استغفرک اللهم ربی وأتوب إلیک» و... آمده است و مفهوم آن به زبان ساده این است که: خدایا، نسبت به کرده‌های بد خود از پیشگاهت معذرت می‌خواهم. حال این سؤال پیش می‌آید که انسان از چه کارهایی باید از خدا معذرت بخواهد؟ تمایلات نفسانی، خشم ناروا، دنیادوستی، مقام پرستی و زورمداری از مواردی است که انسان باید از آنها به درگاه خدای مهربان عذرخواهی و استغفار کند و البته این استغفار باید با حقیقت و راستی همراه باشد، نه مجرد لفظ؛ استغفاری که امیرالمؤمنین علیه السلام شروط آن را برشمرده‌اند.^(۱)

۱. شخصی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: استغفرالله. امام علیه السلام بدو فرمودند: وای بر تو! هیچ می‌دانی استغفار چیست؟ [بدان که] استغفار، درجه علین است و [تحقق آن] شش شرط دارد:

اول: پشیمانی بر [گناهان و رفتار ناشایست] گذشته؛

دوم: تصمیم همیشگی بر عدم بازگشت بدان‌ها؛

سوم: بازگرداندن حقوق خلق به آنان تا این‌که بدون هیچ مظلمه و حق الناسی به دیدار خدا بروی؛

چهارم: تمام واجباتی را که تباہ کرده، از دست داده‌ای به جای آوری؛

پنجم: [اگر از حرام، اندام و تن پرورانده‌ای] گوشت پدیدآمده بر تنت را با اندوه بفرسایی تا پوست بر استخوانت قرار گیرد و آن گاه گوشت نو در تن پدید آوری؛

ششم: آن سان که شیرینی [گذرای] معصیت را به تنت چشاندی، سختی عبادت را بدان بجشانی، آن گاه بگو استغفر الله (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷).

در شماری از روایات آمده است که انسان باید در روزهای باقیمانده ماه مبارك رمضان صادقانه استغفار کند تا مشمول رحمت الهی شود. در بعضی از روایات نیز آمده است که انسان باید تمام رفتارهای ناشایست و برخوردهای نادرست خود را یکایک نام ببرد و برای هریک از آنها به درگاه خدای متعال استغفار کند. مطلب دیگری که در سخن امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بدان اشاره شده، مسأله حق الناس است که بسیار مشکل است. حق الناس تنها به بیگانگان محدود نیست که زن و فرزند و پدر و مادر و برادر و خواهر و دیگر خویشاوندان را نیز شامل می‌شود.

ممکن است يك انسان پس از عمری گناه و نافرمانی حضرت باری تعالی، در لحظه جان دادن اگر توبه کند و حق الناس برگردن نداشته باشد، خدا گناه او را بخشیده، توبه او را بپذیرد، اما در مورد حق الناس، وضع به گونه‌ای دیگر است و آن طور که در حدیث قدسی آمده، خداوند سوگند یاد کرده است که از حق الناس اگرچه به اندازه دانه ارزن باشد نگذرد. حق الناس منحصر به مال نیست، اگر کسی با زبان و رفتار، کوچک‌ترین ستمی در حق دیگری روا دارد در بند حق الناس گرفتار خواهد شد و مسلم است تا صاحب حق رضایت ندهد، خدا نیز نخواهد گذشت.

ماجرایی که در جلسات قبلی وبه مناسبتی بیان شد مؤید این حقیقت است و آن این است که شخصی متدین نام همسرش را به گونه‌ای ادا می‌کرد که مایه رنجش خاطر او می‌شد. آن مُرد و در عالم رؤیا به خواب فرزندش آمد. فرزند، جویای حال برزخی پدر شد، او گفت: عقری به بزرگی قاطر بر من

گمارده‌اند و او به کیفر آن‌که مادرت را با چنان نامی صدا می‌زدم.

بنابراین شایسته است تا فرصت باقی است در صدد جبران برآییم. مثلاً اگر - خدای ناخواسته - با زبان یا با ابراز قدرت، کسی را آزرده ایم، بکوشیم نیرنگ شیطان را - که به صورت ظلم و بی‌مهری و در نهایت قهر چهره نموده است - بی‌رنگ کرده، در صدد جلب رضایت او برآییم. این کار ممکن است برای کسانی گران باشد، اما در مقابل کیفرهای سخت خداوند بسیار بسیار ناچیز است. مثلاً اندکی عرق شرم بر پیشانی آمدن و از صاحب حق رضایت خواستن بهتر از دوزخ سوزان و بسیار دردناکی است که قرآن کریم در وصف آن می‌فرماید:

(وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ * لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ)^(۱) و تو چه دانی که سقر (دوزخ) چیست؟ نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند.

تأمل در این آیه و امثال آن عذرخواهی را برای انسان آسان می‌کند. پس انسان باید از صاحب حق رضایت بگیرد که اگر صاحب حق از دنیا برود، مدیون، با مشکل روبه‌رو خواهد شد و ممکن است حتی با دادن صدقه و خیرات نتواند رضایت او را حاصل کند، اما اگر در حال حیات از او رضایت بخواهد، با کمی اصرار و معذرت‌خواهی رضایت او را جلب خواهد کرد. برخی را نیز با دادن پول، دعوت به میهمانی یا برطرف کردن مشکلی از او می‌توان راضی نمود. چنان‌که در جلب رضایت صاحبان حق این گونه عمل شود از گرفتاری‌های آخرت و پاس‌خگویی در قیامت رهایی حاصل خواهد

شد. این مورد هم یکی از شروط ایمان است، چراکه انسان مؤمن خود را به سختی و زحمت می‌اندازد تا اگر ظلم و آسیبی به دیگران رسانده جبران کند.

به دیگر سخن اگر امروز شخصی برای برطرف شدن بیماری خود به تحمل تلخی دارو تن ندهد فردا باید خود را برای تحمل تلخی‌ها و دردهای زیادی آماده کند که البته سخت‌تر است و حتی ممکن است با اندکی تأخیر، دیگر فرصتی برای جبران و درمان نباشد. بنابراین باید دو مسأله استغفار و استرضاء را مورد توجه قرار داد و مطمئن بود که هر دو امر تحقق خواهد یافت، منتهی با کمی تواضع و خودشنی، چراکه ممکن است با خودخواهی و غرور شیطانی فرصت‌ها از دست برود و آن‌گاه در دنیا به کیفر ظلم به دیگران و در آخرت به عذاب گرفتار شویم.

دو سفارش شده معصوم (علیه السلام)

در میان سفارش‌هایی که از پیامبر ﷺ و جانشینان بر حق او، یعنی امامان معصوم ﷺ رسیده، سفارش به زنان و جوانان است. در این زمینه، مسئولیت پدران و بزرگ‌ترها سنگین‌تر است. در روایت آمده است: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در بستر شهادت قرار گرفتند، وصیت نامه‌ای نوشتند به این شرح:

... يا حسن وجميع ولدي وأهل بيتي ومن بلغه كتابي هذا... الله الله في النساء وفيما ملكت أيمانكم، فإن آخر ما تكلم به نبيكم ﷺ أن

دو سفارش شده معصوم (علیه السلام) ۴۷/

قال: أوصيكم بالضعيفين النساء وما ملكت أيمانكم...^(۱) ای حسن و همه فرزندان و خاندان من و کسانی که این کتاب (وصیت) من بدان‌ها برسد، خدا را خدا را درباره زنان و زیردستان [در نظر بگیرید] که آخرین سخن پیامبرتان این بود: شما را به [رعایت حال] دو ضعیف سفارش می‌کنم: زنان و زیردستان.

سفارش پیامبر ﷺ درباره دو ضعیف، یعنی زنان و زیردستان از آن رو می‌باشد که همگان در برخورد با آنان، ضعف‌شان را لحاظ دارند و موقعیت‌شان را درک کنند. خداوند حکیم بنابه مصالحی که بعضاً بر بشر پوشیده نیست زن را ضعیف آفریده است و البته بنابه فرموده قرآن کریم:

(...وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا)^(۲) و انسان ناتوان آفریده شده،

اما زن ضعیف‌تر است و لذا کم تحمل‌تر می‌باشد. پرواضح است که سفارش پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام در آخرین لحظات عمرشان درباره مهر ورزیدن نسبت به زنان، همین زنان زودرنج مدنظرشان بود، زیرا آن دسته از بانوان مصداق «نفسه منه في تعب والناس منه في راحة» خود موقعیت شناس هستند و نسبت به امور، درکی درخور ستایش دارند. در مقابل نیز مردانی که با زنان پرخاش گر و تندخو مدارا می‌کنند در شمار مؤمنانی هستند که «خود را به تحمل سختی وامی‌دارند و مردم از گزند آنان در آسایش هستند».

۴۸/رمضان و شیوه بندگی

سفارش پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام نه از سر اتفاق که حساب شده است، چنان که همه امور دنیا از سر اتفاق نیست. بنابراین باید با داشتن درک صحیحی از وضعیت زنان و بنا به دستور بزرگان دین با آنان تعامل داشت. پیامبر اکرم ﷺ نیز در برخورد با پرخاش گری برخی از همسران خویش رفتاری ملایم و مهرآمیز داشت. در روایت آمده است: «یکی از همسران پیامبر ﷺ غذایی (و شاید آش) پخته بود. مقداری از آن را در ظرفی ریخته، آن را به کنیزی داد تا برای پیامبر ﷺ که در خانه دیگر همسرش بود، ببرد. کنیز به فرمان بانویش غذا را برای پیامبر ﷺ برد و چون وارد خانه آن حضرت شد، آن همسر پیامبر ﷺ برآشفته و ظرف غذا را از کنیز گرفت و به زمین زد و اعتراض کنان گفت: او شرم نمی‌کند و امروز (یا امشب) که پیامبر نزد من است، برای او غذا فرستاده است.

پیامبر ﷺ بدون این که بر او غضبناک شود برخاست و قدری از غذا که خاک آلود نشده بود برداشت و تناول نمود، آن گاه به آن کنیز فرمود:

اگر این غذا بر زمین نمی‌ریخت، بیش از این نمی‌توانستم بخورم. آنچه را که دیدی برای بانویت نقل نکن و از قول من از او تشکر کن.

راستی اگر ما با رفتار بسیار کوچک‌تر از آنچه بیان شده مواجه شویم چه می‌کنیم؟ انتخاب با خود ماست، انسان اگر بخواهد می‌تواند از پیامبر خدا ﷺ الگو گرفته با ملایمت و اخلاق خوش، با زن رفتار کند و مطمئن باشد که خدای متعال پاداش چنین صبری را ضایع نخواهد کرد.

۱. کافی، ج ۷، ص ۵۱.

۲. نساء (۴)، آیه ۲۸.

پاداش احسان به زن

همان گونه که احسان به زن به معنای: همسر، خواهر، مادر، عمه، خاله و... پاداش درخور دارد، ستم به او، کیفر دنیایی و اخروی و دوزخ را زودتر برای فرد ظالم فراهم می‌کند. در روایات آمده است که احسان به زن، عمر انسان را طولانی و زندگی او را آکنده از برکت می‌کند و ستم در حق او - طبعاً - عمر را کوتاه می‌کند و برکت را می‌زداید.

ابوالصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «پدرم موسی بن جعفر علیه السلام بی‌مقدمه به علی بن ابی حمزه فرمود: مردی از سرزمین مغرب درباره من از تو خواهد پرسید به او بگو: او همان امامی است که امام صادق علیه السلام درباره اش خبر داد... [علی بن ابی حمزه می‌گوید:] پس از پایان طواف نزد او رفتم، او را مردی عاقل و فہیم یافتم. از من خواست تا او را به حضور موسی بن جعفر علیه السلام ببرم، من نیز او را نزد آن حضرت بردم. چون حضرت او را دید فرمود: ای یعقوب بن یزید، دیروز به فلان محل رسیدی و میان تو و برادرت نزاعی درگرفت و به یکدیگر دشنام دادید. این رفتار از شیوه من و پدران من نبوده و شیعیان مان را به چنین رفتاری فرمان نداده ایم، پس تقوای الهی در پیش گیر و [بدان که] در آینده نزدیک، مرگ، میان شما دو برادر جدایی خواهد افکند و برادرت پیش از آن که نزد خانواده اش بازگردد خواهد مرد و تو به جهت بدی که نسبت به او روا داشتی پشیمان خواهی شد. همچنین به دلیل گسستن پیوند خویشاوندی و روی گردانی از یکدیگر، خدا عمرتان را کوتاه نمود.

یعقوب گفت: یابن رسول الله، مرگ من کی خواهد رسید؟

امام فرمود:

مرگ تو نیز رسیده بود، اما در فلان منزلگاه به دیدار عمه ات رفته، در حق او نیکی کردی. از این رو خدا اجلت را بیست سال به تأخیر انداخت.

علی بن ابی حمزه می‌گوید: سال بعد، یعقوب را در مکه دیدم [و چون جویای احوال برادرش شدم، گفت: پیش از آن که به شهر و دیار و نزد خانواده اش بازگردد، در میان راه جان سپرد و همان جا دفنش کردم].^(۱)

ببینید امام کاظم علیه السلام یعقوب را - که به دلیل حفظ نکردن حرمت خویشاوندی و حقوق برادری مرگش فرا رسیده بود - هشدار دادند، اما از آن رو که عمه خود را تکریم کرده بود، اراده خداوند چنین تعلق گرفت که بیست سال اجلش تأخیر بیفتد و حضرتش او را با این مژده مورد لطف قرار دادند. البته کسی بر آن نیست که زنان را از ظلم کردن به مردان بریء بداند، اما باید با تکلیف خود آشنا باشیم و به سفارش پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام عمل کنیم تا رستگار شویم.

گاهی شنیده می‌شود که برخی از زن خود گلایه کرده، او را چنان سرسخت می‌دانند که به هیچ وجه به صراط مستقیم هدایت نمی‌شود. این ادعا ممکن است در هر هزار زن يك مورد مصداق داشته باشد. مضافاً تحول صددرد خلق و خوی زن نیز انتظار نامعقولی است، اما اگر مرد به وظیفه

۱. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۰۷ و اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۴۵.

توجه به جوانان/ ۵۱

خود عمل کند در منش و رفتار زن پر خاش گر نیز تأثیر خواهد گذارد. به منظور پی بردن به این حقیقت در حدی که تجسس حرام در زندگی خصوصی افراد نباشد، روابط نزدیکان و خویشاوندان را ملاحظه کنید، خواهید دید مردانی که با همسران شان برخوردی اخلاقی و مهرآمیز دارند، میزان تدین همسران شان بیشتر است.

بنابراین نباید غافل بود که مرد بد برخورد و زورگو، واکنش مشابه رفتار خود از همسرش خواهد دید. خلاصه این که زن به حکم خدای متعال، ضعیف آفریده شده و از همین رو زودرنج تر و نازدبارتر است، لذا باید با لحاظ داشتن آخرین سفارش رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی السلام با او رفتاری مناسب داشت و حرمت او را به عنوان انسان و شریک غم و شادی نگاه داشت تا مصداق «والناس منه في راحة» و مردم از گزند او ایمن هستند» بود.

توجه به جوانان

مسئولیت دیگر ما به عنوان پدر، مربی، معلم و راهنما این است که راه هدایت و نجات جوانان - خواه فرزندان مان باشند، خواه فرزندان دیگران - از بیراهه ها و منجلاب فساد و دام های شیاطین و منحرفان و بدکیشان بکشیم. این مسئولیتی سنگین است که در صورت کوتاهی باید در محضر الهی پاسخ گو باشیم و هیچ عذری در این راه از ما پذیرفته نخواهد شد. نظر به اهمیت این قشر از جامعه و این که صلاح یا فساد جامعه به صلاح و فساد این قشر بستگی دارد، مورد تأکید امام صادق علی السلام قرار گرفته است.

۵۲/رمضان و شیوه بندگی

در روایت آمده است: «امام صادق علی السلام به ابوجعفر احوال (یکی از یاران خوب آن حضرت) فرمود:

... عليك بالأحداث فإنهم أسرع إلى كل خير؛^(۱) به نوجوانان و جوانان پرداز [و در راه تربیت آنان بکوش] که در رسیدن به خوبی ها و پذیرش آن شتابنده ترند.

در این زمینه دو مسئولیت بر دوش داریم که اگر در به انجام رساندن آن بکوشیم، جوانان به مسئولیت خود پی خواهند برد و بدان پای بند خواهند شد و آن این است که جوانان را با اصول دین که شامل اعتقاد به خدا، به اوصاف خدا، به پیامبران، به امامت و معاد است آشنا کنیم. با آشنا کردن جوانان به اصول دین گام مهمی در این راه برداشته ایم و جوان درمی یابد که قیامت و دادگاه و عدالت الهی در پیش خواهد داشت. ممکن است تمام پدران و بزرگ ترها توان این کار را نداشته باشند، پس چه باید کرد؟ راه هدایت جوان باز است و آن این که امر هدایت را به کسی که توان تبیین اعتقادات را داشته باشد واگذار تا با تأسیس هیئت مذهبی و تشویق جوانان به حضور در چنین مجالسی، زمینه فراگیری مبانی اعتقادی را برای آنان فراهم کند تا از این رهگذر جوانان، راه راست را از کوره راه گمراهی و انحراف تمیز دهند.

دوم بالا بردن فضایل اخلاقی در جوانان است، پیامبر علی السلام بنا به فرموده شان برای کمال بخشیدن به والایی های اخلاق فرستاده شده اند، آن جا که می فرمایند:

۱. کافی، ج ۸، ص ۹۳ و بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

چگونه زیستن؟ ۵۳

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^(۱) تنها برای کمال بخشیدن به والایی‌های اخلاق فرستاده شدم.

در این فرموده پیامبر کلمه «إِنَّمَا» آمده است که «حصر» را می‌رساند، به این معنا که انگیزه بعثت، صرفاً کامل کردن والایی‌های اخلاق بوده است. در صورتی که دو مسئولیت یادشده به خوبی به انجام رسد، مسئولیت سوم بر دوش خود جوانان خواهد بود و آنان خود به دنبال آن خواهند رفت و آن، آشنا شدن با احکام حلال و حرام و مباح و مستحب و مکروه است و این که نماز خود را به درستی می‌خوانند یا باید در صدد تصحیح آن باشند و دیگر مسائل شرعی.

چگونه زیستن؟

از دیگر مسائل این است که بدانیم چگونه زندگی کنیم و چه معیارهایی در زندگی داشته باشیم. اگر درصدد یافتن معیارهای اسلامی و اخلاقی باشیم به موارد فراوانی برمی‌خوریم که در روزگار ما زندگی می‌کنند یا با فاصله نه چندان زیادی، پیش از ما زندگی می‌کردند.

نگاهی به زندگی آن بزرگان، چگونه زیستن را به انسان می‌آموزد. یکی از این بزرگان وارسته، شیخ مرتضی انصاری (قدس سره) است. در احوالات ایشان نوشته‌اند: «وی مدت شانزده سال مرجعیت عامه شیعه را برعهده داشت و به

۵۴/رمضان و شیوه بندگی

دلیل همین موقعیت، سالانه مبالغ هنگفتی از سکه‌های رایج به عنوان وجوه شرعی برای ایشان می‌آوردند. زمانی که آن بزرگوار چشم از جهان فروبست و به دیدار حق شتافت، پس از انجام مراسم، میراث بران گرد آمدند تا ارثیه شیخ را تقسیم کنند. پس از محاسبه تمام آنچه از او برجای مانده بود، کل ارزش آن هفت تومان شد».

ارزش هفت تومان آن روز، به قیمت امروز حداکثر دویست و هشتاد هزار تومان می‌شود، یعنی هریک تومان معادل چهل هزار تومان؛ مبلغی که با دارایی بینواترین مردم این روزگار سازگاری ندارد. داستان دیگری از شیخ انصاری نقل شده است که قابل تأمل است. نقل کرده‌اند: «مبلغ هنگفتی برای شیخ آوردند. او بدون این که آن را واریسی کند، محموله را دست نخورده فرستاد تا میان مستمندان تقسیم شود».

راستی او که بود؟ آیا معصوم بود؟ بی‌تردید خیر، اما خودساخته و از فریبائی‌های دنیا رهیده بود و می‌کوشید تا از سرور آفرینش حضرت محمد بن عبد الله ﷺ پیروی کند؛ پیامبری که نیمی از اتاق کوچکش را با حصیر و نیمی دیگر را با خاک یا شن فرش کرده بود، بر حصیر می‌خفت و بر خاک اتاق نماز می‌گزارد. این بزرگان در بخشش نیز راه پیامبر ﷺ را می‌پیمودند. در روایات آمده است که: «پیامبر خدا ﷺ مکرراً در حالی که سخت گرسنه بودند، غذای اندک خود را به کسانی می‌بخشیدند که به اندازه آن حضرت گرسنه نبودند».

۱. مکارم الاخلاق، ص ۸.

چکیده سخن

در روزهای باقی مانده از ماه مبارك رمضان که روح، تزکیه بیشتری یافته است، با دعا و تضرع به درگاه الهی، مهر مقبولیت بر اعمال مان بزنیم، در استغفار سخت بکوشیم و صاحبان حق را از خویش راضی کنیم. دیگر این که در راه تحقق سفارش پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زنان وزیردستان و نیز هدایت جوانان دریغ نکنیم تا در حد توان، از عهده مسئولیتی که نسبت به آنان بردوش داریم برآیم و نزد خدا معذور باشیم. پس، چند روز مانده از این ماه رحمت و فضیلت و عظمت را مغتنم بشماریم، چراکه ممکن است این فرصت دیگر به دست نیاید. سال گذشته در همین روز و شبها، مرحوم اخوی^(۱) (اعلی الله درجاته) سخنانی ایراد نمودند، اما به تقدیر الهی دیوان عمر ایشان بسته شد. همگی البته هریک به هنگام رسیدن ندای «الرحیل» باید این راه را طی کنیم. بنابراین از استرضای صاحبان حق دچار خجلت نشویم که خجلت روز قیامت در مقابل دادخواهان سخت تر است. حق الناس را فراموش نکنیم و به هر صورت که ممکن باشد در صدد جبران برآیم و اگر صاحب حق چشم از جهان فرو بسته، در صورتی که حقی مالی داشته باشد، با ورثه او از در مصالحه درآیم یا از طرف او رد مظالم بدهیم و اگر - خدای ناکرده - به گونه ای دیگر متوفا برگردن ما حق دارد، از خدای منان برای او علو درجات بخواهیم تا از سر بی نیازی از حقوق خویش گذشته، ذمه ما را

آزاد کند که شیوه متقین درباره گذشتگان این گونه بوده است. مجدداً یادآوری می شود که استغفار با شرایط، استرضای صاحبان حق، تربیت نوجوانان و جوانان و مدارای با زنان را از یاد نبرید. امیدوارم خدای منان به برکت این ماه مبارك، بعد از ماه مبارك نیز ما را در انجام بندگی و تحصیل رضایت خودش موفق تر بدارد، ان شاء الله.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

۱. مرجع راحل آیه الله العظمی سید محمد شیرازی (قدس سره).